

کترین عمل ها /
آوازه (سفارت بودن)

✓ ارزش می نرسی، حکار میخای بکنی؟

میگی، اگر در درس هام قبول نشدم میم سرمازه . - اگر قبول شدی چی؟

- میم دانشگاه، مثل بقیه . - اگر دانشگاه موفوق شدی؟ چی؟

- به لسانس و دکترای میگیرم مث بقیه . - اگر دکترای گرفتی میخای چه کار کنی؟

- مطبی و حقوقی و سفلی و... مث بقیه . - اگر پول درآوردی چی؟

- ازدواج میکنم مث بقیه . - لابد میخای بچه دار شی مث بقیه !!؟

بعدش چه کار میکنی؟

- به بچه ها و خانوادم رسیدگی میکنم مث بقیه .

- دلم باقی ش رو نمی فرادگی، لابد می صدی مث بقیه !

(یعنی اینطور افراد نه تنها باری و روزی داری دارن بلکه خودشون به باری

مشن مثل بقیه روی سونه دگر ان + باید باز شون رو بخری ...)

که سرور مُلک آید ددم منگ، ما زین دانهها رد خلق کردیم تا؛
مردگ و زندگی را خلق کرد تا؛

«الذی خلق الموت والحیة لیبْلُوکُم اَیُّکُم اَحْسَنُ عَمَلًا...»

حافظ منگم

راهی بزنی که آهی، بر ساز آن توان کرد شعری بخوان که با او رطل گران توان زد
بر آستان جانان گرسر توان نهادن گلابنگ سر بلندی بر آسمان توان زد

⋮

حافظ به حق قرآن گز شید و رزق بازای باشد که گوی عشقه در این جهان توان زد

حمت بلند آرد که مردان روزگار { قافیه شوره کمر مار }
از حمت بلند به جایی رسیده اند